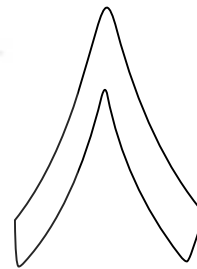


رابطه نگرش دینی و سیاست
خارجی ادراکی: تحلیل
رمزگان عملیاتی بازرگان و
احمدی نژاد



مجید بهستانی*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

; دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران

Behestaniam@gmail.com

تاریخ تصویب: ۹۲/۶/۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۸

فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۲۴۷-۲۱۱.

چکیده

با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، مفروض بر این است که بازیگرانی دیندار مناصب اصلی حکومت را برعهده بگیرند. بنابراین می‌توان این انتظار را داشت که همان‌گونه که باورها و شخصیت افراد در ادراکات و تصمیمات آنها اثرگذار است، باورهای دینی بازیگران جمهوری اسلامی ایران بر ادراکات ایشان اثر بگذارد. در این مقاله با بکارگیری روش تحلیل محتوا و ابزارهای تحلیل رمزگان عملیاتی و تحلیل نگرش دینی، تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه نگرش دینی فرد بر سیاست خارجی ادراکی وی اثر می‌گذارد؟ به بیان دیگر، آیا می‌توان ادراکات سیاستمداران در عرصه سیاست خارجی را به کمک نگرش دینی ایشان معنادار کرد؟ برای این منظور از میان کارگزاران جمهوری اسلامی، مهدی بازرگان و محمود احمدی‌نژاد برگزیده شدند که به لحاظ ادراکی نسبت به نظام بین‌الملل، در ظاهر تفاوت‌های عمیقی با یکدیگر دارند. آشکار می‌شود اگرچه هر دو کارگزار نسبت به نظام بین‌الملل بدبین هستند، ولی احمدی‌نژاد گرفتار هراس و بدبینی بیشتری است و بر قدرت کارگزار بیش از ساختار و سازمان توجه دارد. در الگوی نگرش دینی نیز برای بازرگان و احمدی‌نژاد به ترتیب «الگوی انسان مختار ملی» و «الگوی انسان فطرت‌جوی بی‌مکان» استنباط شد که زمینه مناسبی برای تحلیل چرایی تفاوت نوع شخصیتی این دو در سیاست خارجی ادراکی فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی ادراکی، تحلیل رمزگان عملیاتی، تحلیل نگرش دینی، روان‌شناسی سیاسی شناختی، مهدی بازرگان، محمود احمدی‌نژاد

مقدمه

با تحقق نظام جمهوری اسلامی براساس فقه شیعی، یکی از مهم‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین مسائل حکومت دینی نوع رابطه با دیگر دولت‌های مسلمان و غیرمسلمان و نیز هماهنگی و تعادل میان منافع ملی و مصالح اسلامی بوده است. در حالی که انتظار بر این است که تحقیقات دانشگاهی به دنبال حل و تحلیل مسائل اصلی کشور باشد، تبیین و تحلیل مسائل فقه‌سیاسی در مقتضیات جدید و کاربردی چندان دچار تحول لازم نشده است. بیشتر آثار منتشره در این مورد، بازگویی حوادث تاریخی صدراسلام به اسم دیپلماسی دینی یا اصول و قواعد فقهی به اسم نظریه سیاست خارجی اسلامی بوده است. (عمید زنجانی، ۱۳۹۰؛ امیری، ۱۳۸۵؛ منصور، ۱۳۶۵؛ طاهایی، ۱۳۸۷؛ محمدی، ۱۳۸۱؛ شکوری، ۱۳۶۱) به زحمت می‌توان به شکل پراکنده آثاری را یافت که توجهی از درون منطق دینی و ادبیات بومی، برای تجزیه و تحلیل مسائل جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی داشته‌اند. (کیانی، ۱۳۸۶؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷؛ دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹؛ آجیلی، ۱۳۸۹) در این مقاله تلاش شده است گامی در جهت تقویت ادبیات بومی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برداشته شود.

در این مقاله که نویسنده با کمک ابزارهایی از رویکرد کیفی به روایتی از رابطه دو متغیر ادراکی (نگرش دینی و سیاست خارجی ادراکی) نزدیک شده است، سعی شد به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه نگرش‌های دینی بر سیاست خارجی ادراکی و احتمالاً بر رفتار خارجی، اثرگذار هستند؟ به دلیل این که هر دو متغیر از جنس باور و ادراک هستند و نیز به دلیل رویکرد کیفی حاکم بر این مقاله، نباید انتظار تعیین و تبیین رابطه میان دو متغیر که ذیل پژوهش‌های کمی به دست می‌آید،

از آن داشت. هدف این مقاله بیان *روایتی* از دو متغیر اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که می‌تواند حتی برای دیگر حوزه‌های مطالعاتی، کاربردی باشد. در انتهای این مقاله معلوم می‌شود که تربیت/نگرش دینی (از جمله باورهای دینی) یک فرد بر برداشت‌های او از خود و پدیدارها اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد، و خود این برداشت‌ها رفتارهای وی را شکل می‌دهد و معنادار می‌کند. ریشه عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی یا بسیاری از مفهومی‌های اجتماعی دیگر برای هر دو، یا هر فرد دیگر، می‌تواند ضرورتاً در ابتدا از دین برنخاسته باشد ولی به خوبی در دین آبیاری و چهارچوب‌بندی بشود.

قبل از ورود به تحلیل نگرش دینی این دو نفر و نسبت آن با سیاست خارجی ادراکی‌شان، باید این نکته مهم را مدنظر داشت که موضوع مورد مطالعه ما دو شخصیت سیاستمدار دیندار تحصیلکرده رشته‌های مهندسی هستند که هیچ‌کدام از آنها به طور روشمند و رسمی دروس دینی و طلبگی نخوانده‌است. اگرچه بازرگان به نسبت احمدی‌نژاد صبغه و سابقه مطالعات دینی به ویژه بر روی قرآن داشته است و در این خصوص تولید ایده کرده‌است، ولی به جهت تسلط بر متون دینی حوزوی فرق چندانی با یکدیگر ندارند. بنابراین انتساب هر یک از آنها به مکاتب و نحله‌های مختلف دینی، به معنای کنش آگاهانه ایشان در آن مسیر فکری خاص نیست بلکه استنباط پژوهشگر این بوده‌است که متونی که این دو سیاستمدار تولید کرده‌اند، شباهت‌هایی با برخی مکاتب و اندیشه‌های دینی دارد و احتمال آن که تحت‌تأثیر آنها آن سخنان را بر زبان و قلم جاری کرده باشند، وجود دارد. بنابراین هیچ‌کدام را نه فقیه می‌خوانیم، نه عارف و نه متکلم. در این مقاله بعد از اشاره به نظام باورهای بازرگان و احمدی‌نژاد، به کمک تحلیل رمزگان عملیاتی، به شکل جداگانه، در بخشی دیگر، گزاره‌ها و باورهای دینی هر یک از این دو نفر استنباط می‌شود. تلاش شده‌است تا براساس روش تحلیل نگرش دینی، باورهای اصلی و محوری از باورهای فرعی‌تر و باورهای نظری از باورهای عملیاتی مجزا و طبقه‌بندی شود. در نهایت، در بخش پایانی رابطه معناداری میان سیاست خارجی ادراکی و نگرش دینی هر یک از این دو نفر به طور جداگانه برقرار می‌شود که به ترسیم الگوهای ذهنی تقریبی ایشان منجر شده‌است.

۱. چهارچوب نظری

یکی از گرایش‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی سیاسی شناختی است. در روان‌شناسی متعارف کلاسیک، شخصیت‌شناسی در محوریت مطالعات این رشته قرار داشت. (برزگر، ۱۳۸۸: ۱) بنابراین رویکرد، انسان تحت‌تأثیر شخصیت خود قرار دارد و عناصر چهارگانه رفتار، هیجانات، فیزیولوژی و شناخت، در مجموع شخصیت یک فرد را تعیین می‌کنند. (کاپلان و سادوک، ۱۳۸۹: ۷؛ Borrell-Carrió et al, 2004) نگرش‌های سنتی علوم سیاسی از قدیمی‌ترین متون برجای مانده از عصر باستان تا پیش از شکل گرفتن علم مدرن، توجه زیادی به بازتاب شخصیت و ویژگی‌های روانی و روحی انسان‌ها بر رفتار خودشان و نیز صورت دولت‌ها داشته‌اند. (برای مثال بنگرید به: عطایی و بهستانی، ۱۳۸۹. توسیدید، ۱۳۷۸؛ هابز، ۱۳۸۷) لذت‌گرایی اپیکور، بنتام، میل و فروید متقدم (مرحله اول زندگی)، غریزه بقا هابز و فروید متأخر (مرحله دوم زندگی)، تنازع‌بقا داروین، جاه‌طلبی ماکیاولی، قدرت‌طلبی نیچه، وجودانگاری سارتر، کمال‌اندیشی فردوسی، عدم‌اندیشی خیام نیشابوری، اضطراب رستگاری کالونیس، اکنون‌اندیشی رورتی و هویت‌طلبی اشمیت از مواردی هستند که ذیل تناسب وضعیت درونی انسان و وضعیت بیرونی (واقعیت بیرونی یا کنش انسانی) قرار می‌گیرند.

با وقوع چرخش شناختی از آنجایی که دیگر ادراک همان شناخت نیست، روان‌شناسی شناختی اهمیت خاصی پیدا می‌کند. (McGraw, 2000: 808-809) این بدان خاطر است که در وضعیت جدید، شناخت‌شناسی (فردی مانند جورج کلی و اجتماعی مانند بندورا و راتر) همه عناصر شخصیتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. کسانی که چنین باوری دارند، علی‌القاعده می‌بایست منظرگرا باشند. مطابق با این رویکرد، شناخت عینی و فراگیر ممکن نیست و ذهنیت مشاهده‌گر بر گزاره‌های مشاهده‌تی مسبوق است. بر همین اساس، تمام شخصیت یک انسان اعم از رفتارها و نگرش‌هایش و حتی در خوانشی تندروانه، عوامل فیزیولوژیک او، تحت‌تأثیر شناخت وی قرار می‌گیرند.

مطالعه تأثیر انگیزه‌ها، احساسات و عواطف بر روی باورها از علائق روان‌شناسی اجتماعی بوده است. (کاندا، ۱۳۸۴: ۵) هرگاه باور بر این باشد که «ادراک



[تنها] تعیین کننده است»، نظریه شناختی منظور است. «به باور توماس و زنانیکی مطالعه نگرش‌ها در روان‌شناسی اجتماعی اهمیتی فوق‌العاده و فراوان دارد. نگرش‌ها فرایندهای ذهنی مجزایی هستند که تعیین‌کننده پاسخ‌های واقعی و بالقوه هر شخص در دنیای اجتماعی محسوب می‌شوند». (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۸۹؛ همچنین برای مطالعه بیشتر نک به: کاتم و همکاران، ۱۳۸۶: فصل سوم) پس در واقع به جای پرسش از چگونگی تأثیر روان بر کنش، چگونگی شکل‌گیری ادراک و نگرش و تأثیر آن بر کنش مورد بحث قرار خواهد گرفت. از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد، گرایشی قوی برای مطالعه تأثیر درونیات انسان بر باورها و ادراک‌های او شکل گرفته است. (کاندا، ۱۳۸۴: ۶)

مبنای این پژوهش بر روان‌شناسی سیاسی شناختی است. توضیح این که این گزاره اصلی پذیرفته شده است که کنشگران از درون و مبتنی بر «نظام باورهای» خویش به خود و دیگری (جهان) می‌نگرند، و کنش آنها متأثر از شناخت آنهاست. برای نمونه، رویکردهای فرهنگی به این حوزه بر دوگانه خود/دیگری تأکید دارند. نظریه تصویر [از خود/از دیگری] در سیاست خارجی (Jervis, 1976) از مفهوم طرح‌واره در نزد روان‌شناسان الهام گرفته شده است. مطابق با این نظر، این تصویر ادراکی متشکل از اجزاء پراکنده از اطلاعات نیست، بلکه آن مجموعه‌ای منسجم از شناخت نسبت به موضوعات مختلف است که در کنار یکدیگر نظم به هم پیوسته‌ای یافته است. هربازیکر منطبق با این تصویر (طرح‌واره)، رفتار خارجی خود را تنظیم می‌کند. (Castano et al, 2003: 45) بنابراین، تلاش شده است تا الگوی این نظام اندیشیده در سیاست خارجی ادراکی و نگرش دینی افراد دریافت شود. از این‌رو، روش‌های تحلیل رمزگان عملیاتی و تحلیل محتوا به کار گرفته شدند.

۲. تحلیل رمزگان عملیاتی

یکی از گرایش‌های بحث‌برانگیز در تحلیل سیاست خارجی، تحلیل تأثیر شخصیت و باورهای کنش‌گران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی بر روی سیاست خارجی بوده است.^(۱) اگر در دوره جنگ سرد، تبیین سیاست خارجی به کمک نظریه انتخاب عقلانی انجام می‌گرفت، با ناکامی این گونه نظریه‌ها در پیش‌بینی و تبیین چرایی

پایان این دوره و فروپاشی یکی از دو قطب، گرایش مطالعات شناختی، کارگزارمحور و روان‌شناسانه در تحلیل سیاست خارجی در دوره پساجنگ سرد، با استقبال بیشتری روبرو شد. (Zakaria, 1992; Bueno De Mesquita and Lalman 1992; Geva and Mintz 1997; Keohane and Martin 2003; Walker and Shafer, 2006) در آثار کسانی مانند لیتز، جورج، واکر و شیفر تلاش بر این است که «نظام باورها»^۱ سیاست‌گذاران و بازیگران سیاست خارجی به عنوان سازوکار علی در تولید آن معرفی شود.

رویکرد نظری بکار رفته در این پژوهش‌ها «تحلیل رمزگان عملیاتی»^۲ است که هدف اصلی خود را تبیین سازوکار علی نظام باورهای بازیگران و رهبران سیاست خارجی قرار داده است. این نظریه توانسته است بخشی از قابلیت نظریه‌های تحلیل سیاست خارجی را آشکار و توانمند نماید که در ذیل سایه نسبتاً غالب علم‌گرایی و کل‌گرایی حاکم بر آن دوره مغفول مانده بود.^(۳) البته این نظریه یک امر ایستا باقی نماند بلکه در طول عمر چنددهه‌ای خود، تحولات متعددی به خود دید و قابلیت‌های متفاوت و بالاتری یافت. (Crichlow, 2006: 77) این نظریه نخستین بار از سوی نیتن لیتز (1951 and 1953) معرفی شد تا رفتار و ایدئولوژی بولشویکی را به عنوان نشانه‌هایی از شخصیت بولشویکی مطالعه کند.

الکساندر جورج با الهام از لیتز، دسته‌بندی دوگانه‌ای برای روش تحلیل رمزگان عملیاتی طراحی کرد که مجموعاً پنج سؤال فلسفی (ذات سیاست، چشم‌انداز بازیگر، پیش‌بینی‌پذیری، کنترل بر تاریخ، نقش شانس) و پنج سؤال ابزاری (رویکرد، تاکتیک، ریسک‌پذیری، نحوه تضارب اقدامات و استفاده از ابزارها) را شامل می‌شود و پاسخ‌های به آنها باورهای رهبران را شکل می‌دهد. (Walker and Schafer, 2006: 8) واکر با ارائه یک الگوی ماتریسی چهارخانه (تصویر شماره ۱-۲) و صرفاً از طریق پاسخ به سه سؤال از موارد دهگانه (فلسفی یک (P1)، فلسفی چهار (P4)، و ابزاری یک (I1))، حتی الامکان صورت‌های مختلف از کنشگران را در یکی از خانه‌های چهارگانه جایابی کرد. (تصویر شماره ۱)

1. Belief System

2. Operational Code Analysis

تصویر شماره (۱). جدول ارجحیت‌های هالستی-واکر (Walker, 1990)

<p>تیپ A</p> <p>درگیری موقتی است، به وسیلهٔ عامل انسانی ایجاد شده است، خوش‌بینی قابل پذیرش است، آینده نسبتاً قابل پیش‌بینی و اعمال کنترل بر آن ممکن است. اهداف را باید در چهارچوب علایق مشترک اتخاذ کرد. اهداف را باید به طور فزاینده و با استراتژی‌های انعطاف‌پذیر به طوری که باعث دامن زدن به تنش‌ها نشود دنبال کرد و همواره باید مترصد فرصت‌های مسالمت‌آمیز بود فرصت‌های مذاکره نباید از دست برود و استفاده از زور همیشه گزینهٔ آخر است.</p> <p>ترتیب ارجحیت‌ها: حل و فصل < بن‌بست < غلبه < تسلیم</p>	<p>تیپ C</p> <p>درگیری موقتی است، منشأ آن بی‌نظمی موجود در سیستم (بین‌الملل) است که در آن عوامل بسیاری می‌تواند به یک جنگ ختم شود. رقبا در طبیعت، اهداف و مسئولیتشان در قبال مصالحه و مخاصمه متفاوتند. قابلیت پیش‌بینی و اعمال کنترل بر تحولات تاریخی پایین است. اهداف بیهنه را به صورت استوار در چهارچوبی جامع اتخاذ کنید. اهداف مشترک را دنبال کنید و ریشک را بیشتر با اعمال کنترل بر ابزارها محدود کنید تا با تمرکز بر اهداف در موقعیت‌های مسالمت‌آمیز به سرعت عمل کنید.</p> <p>ترتیب ارجحیت‌ها: حل و فصل < غلبه < بن‌بست < تسلیم</p>
<p>تیپ DEF</p> <p>درگیری دائمی است. منشأ آن طبیعت انسانی (D)، ملی‌گرایی (E)، با بی‌نظمی بین‌الملل (F) است. عامل اصلی جنگ عدم موازنهٔ قدرت است. رقبا ممکن است تغییر کنند و مسئولیت‌پذیری در قبال مصالحه و مخاصمه نامعلوم است. خوش‌بینی در دراز مدت رو به کاهش است در کوتاه مدت بستگی به تصمیم رهبران و موازنهٔ قدرت دارد. قابلیت پیش‌بینی و اعمال کنترل در تحولات بسیار محدود است. به دنبال اهداف محدود با ابزارهای انعطاف‌پذیر باشید. در صورت نیاز استفاده از نیروی نظامی پیشنهاد می‌شود اما باز هم به عنوان گزینهٔ نهایی.</p> <p>ترتیب ارجحیت‌ها: غلبه < حل و فصل < بن‌بست < تسلیم</p>	<p>تیپ B</p> <p>درگیری موقتی است و توسط گروه‌های جنگ طلب ایجاد شده است. رقبا عاقل و قابل باز داشتن هستند. خوش‌بینی در مورد تحقق اهداف قابل پذیرش است. آیندهٔ سیاسی نسبتاً قابل پیش‌بینی است و اعمال کنترل بر تحولات امکان‌پذیر است. شخص باید اهداف بیهنه را با قوت و در چهارچوبی جامع بجوید. ریسک‌ها را با محدود کردن ابزارها کنترل کند. هر راه‌گاری می‌تواند مناسب باشد حتی بکارگیری زور هم در شرایطی که منجر به سودهای کلان با خطر کم شود نیز قابل تجویز است.</p> <p>ترتیب ارجحیت‌ها: غلبه < بن‌بست < حل و فصل < تسلیم</p>

نظریه تحلیل رمزگان عملیاتی، چهار موج را به خود دیده است: مطالعات خاص گرا - تفسیری، مطالعات نوع شناسانه - تعمیمی،^(۳) مطالعات آماری - کمی،^(۴) و مطالعات الگوسازی رسمی.^(۵) در مطالعات خاص گرا - تفسیری، رویکرد تفسیری در تحلیل محتوا پیگیری می شود که مطابق با آن خواننده «معنای» مورد نظر گوینده/نویسنده از بیان یک عبارت را «تفسیر» می کند. (Walker and Schafer, 2010: 5495) به لحاظ روشی، این پژوهشگران به همدلی دست می زنند، یعنی می کوشند موضوع مورد مطالعه و زمینه ای که موضوع در آن به وقوع پیوست، مورد شناسایی و همدلی قرار بگیرد. این همان نقطه ای است که روش فردگرایانه این شاخه از تحلیل رمزگان عملیاتی با روش جامعه شناسی و بر گره می خورد. به همین دلیل این نوع از تحلیل محتوا کیفی است.^(۶) تمایل اصلی این نوع از مطالعات این است که مفاهیم را به شکلی خاص و انحصاری درباره یک رهبر سیاسی بیان کنند و اصراری ندارند که آن مفاهیم قابل تعمیم به مطالعات دیگر باشد. (Walker and Schafer, 2010: 5496; Young and Schafer, 1998: 73)

۳. روش افعال در نظام زمینه

همواره تشخیص و تحلیل کنش، میزان شدت و نیز انگیزه کنشگر برای پژوهشگران، از جمله کاربران تحلیل رمزگان عملیاتی، اهمیت داشته است. به کارگیری روش «افعال در نظام زمینه»^۱ در زیرمجموعه روان شناسی شناختی «از راه دور» توانسته است نظر هردو گروه قائلان روش های کمی و کیفی در تحلیل محتوا را به خود جلب کند (Schafer and Walker, 2006: 26) به آن دلیل که رویکرد سئوالات جورج کیفی هستند، استفاده از روش «افعال در نظام زمینه» به عنوان یک ابزار جهت کمی ساختن نتایج تحلیل رمزگان بکار برده می شود. در این روش به هریک از نتایج کیفی به دست آمده یک عدد قراردادی اعطا می شود که مجموع اعداد به دست آمده این قابلیت را ایجاد می کند که به لحاظ کمی جایگاه بازیگر سیاسی شناسایی و احتمالاً با هم ردیف های خود مقایسه شود.

روش کار در افعال در نظام زمینه این است که پژوهشگر به افعال کنشگران کد

می دهد و کدهای دریافتی را با یکدیگر مقایسه می کند. هرکلام یا عملی بارمعنایی خاص خود را دارد.^(۴) مثلاً اگر خواسته شود که میان این دو جمله مقایسه شود، نتایج جالب توجهی به دست می آید: الف) دولت الف به دولت ب حمله کرد؛ ب) دولت الف از دولت ب تشکر کرد. در حالی که فعل جمله اولی به یک عمل انجام شده اشاره دارد، فعل جمله دومی صرفاً به یک اقدام زبانی دلالت می کند. در حالی که رویکرد جمله اولی یک اقدام کاملاً منفی و شدید است، فعل دوم یک اقدام مثبت و نسبتاً قوی است. در حالی که اولی به نزاع بازمی گردد، دومی خط صلح را دنبال می کند. در کدگذاری منبع، مسیر و شدت یک فعل نمره دهی می شود. به افعال خنثی که در شناخت مسیر و شدت آن هیچ اثری ندارند، نمره صفر تعلق می گیرد. (Shafer, 2012)

مطابق با این ابزار، چهار گام می بایست برداشته شود: در گام نخست آشکار شود که فاعل شناسا یا بکارگیرنده فعل موردنظر چه کسی است (من یا دیگری)؟ در گام دوم زمان صدور فعل و نیز جهت فعل (مثبت یا منفی) می بایست روشن شود. گام بعدی حوزه عملی فعل مربوطه (داخلی یا خارجی) معلوم می شود. گام پایانی، به هدف و زمینه صدور فعل پرداخته می شود. (Walker et al, 1998: 182-183)

۴. تحلیل نگرش دینی

گفته شد که در این پژوهش برای فهم ادراک‌های متفاوت سیاست خارجی یک سیاستمدار، فهم وی از دین (نگرش دینی) کانون توجه قرار می گیرد. منظور از نگرش دینی مجموعه باورها، احساسات و تعلقات خاطر ایجابی و سلبی یک فرد نسبت به یک موضوع است که خاستگاه دینی یا تربیت دینی داشته باشد. منظور از تربیت دینی و تفکیک آن از خود دین این است که دومی مستظهر به نص دینی است که ضرورتاً تعلیمی است و از سوی عالم دینی معرفی می شود؛ حال آن که اولی آن مواردی است که افراد، ناشی از زندگی در فضای دینی در ذهن و شخصیت خود الهام می گیرند و لزوماً تعلیمی نیستند بلکه کاملاً به برداشته‌ها و انتظارات افراد مختلف وابستگی دارد. در نتیجه چنین باورها و برداشتهایی از دین ممکن است

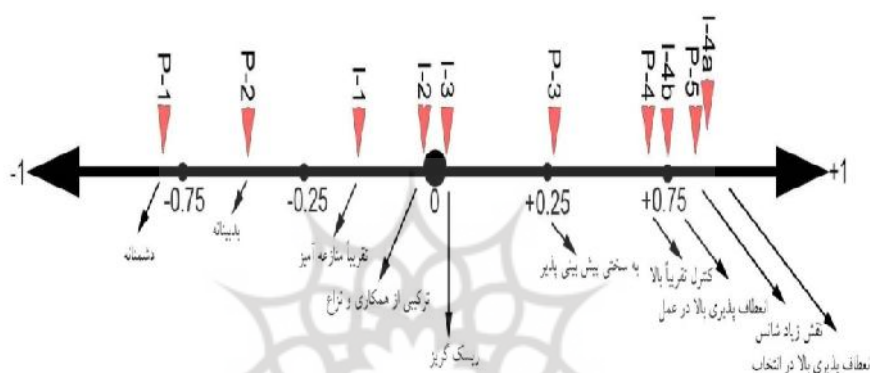
حتی کاملاً خلاف دین باشند. برای مثال، در حالی که در فقه شیعه شهادت به ولایت حضرت علی(ع) در اذان و اقامه نماز به عنوان ذکر واجب موجب بطلان اذان است، در باور شیعیان عامی ذکر ولایت علی(ع) جزئی از اذان و اقامه است. روش بکار رفته برای استخراج نگرش دینی، تحلیل نگرش دینی است. در این روش ابداعی که ذیل روش تحلیل محتوای کیفی قرار می‌گیرد، تلاش می‌شود تا مفاهیم دینی که از سوی سیاستمدار (یا هر فرد مورد مطالعه دیگر) به کار می‌روند با کمک خوانش پژوهشگر ذیل مفاهیم جزئی‌تر یا کلی‌تر دیگر بازسازی و دسته‌بندی شوند. از مطالعه اولیه آرای یک سیاستمدار ایده‌ها و مفاهیمی به ذهن خواننده خطور می‌کند. در دفعات بعدی از مطالعه، پژوهشگر سعی می‌کند تا آن مفاهیم اولیه را به محک آزمون خود متون بگذارد. در این مسیر ممکن است چندبار مفاهیم تغییر کنند، قبض و بسط مفهومی بیابند، جایگاه اولویت آنها تغییر کند، یا آن که حفظ شود. بدین ترتیب، مفاهیم مرکزی، ارزش‌های بنیادین، نظام مفاهیم نظری، نظام مفاهیم عملیاتی و رویکردهای یک فرد استنباط می‌گردند. البته بنابر خوانش هر پژوهشگر یا قابلیت نظری نگرش یک فرد، این طبقات می‌توانند کم یا زیاد شوند. در نهایت آن چیزی که به دست می‌آید، طرح‌واره‌ای است که نظام نگرش دینی آن فرد را به طور منظم نشان می‌دهد. مفاهیم باید مستند، غنی و فراگیر باشند تا پژوهشگران دیگر را مجاب کند. ولی به دلیل آن که امر مفهوم‌سازی تا حدود زیادی وابسته به ادراک مطالعه‌کننده است، وجود برخی اختلافات نظری قابل قبول است. افزون‌براین، مجموعه نظری به دست‌آمده باید منطقی و منسجم باشد.

۵. تحلیل رمزگان عملیاتی بازرگان و احمدی نژاد

برای استخراج رمزگان عملیاتی مهدی بازرگان، تمام موضع‌گیری‌های وی در حوزه سیاست خارجی در زمان ریاست وی بر دولت موقت، مورد استفاده قرار گرفت. از آنجایی که اولاً دولت موقت در فکر نهادسازی، ساختارسازی و تأسیس نظم اداری-سیاسی جدید در داخل در آن شرایط انقلابی بود، موضع‌گیری کمی نسبت به مسائل سیاست خارجی داشته است و بیشتر این موارد برعهده سخنگوی دولت یا وزیر خارجه وی محول می‌شده است. از این رو و به جهت تقویت منابع اطلاعاتی رمزگان

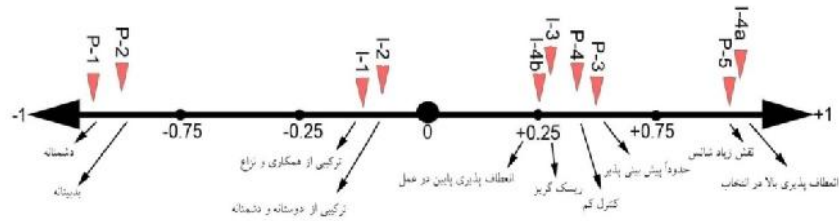
عملیاتی بازرگان، مواضع وزیر خارجه مورد وثوق وی، ابراهیم یزدی، به آن افزوده شد. با کنار هم قراردادن نمرات به دست آمده از گزاره‌های فلسفی و ابزاری رمزگان عملیاتی بازرگان (و دکتر یزدی) تصویر شماتیک (تصویر شماره ۲) زیر قابل استحصال است.

تصویر شماره (۲). تصویر شماتیک سیاست خارجی ادراکی دولت بازرگان



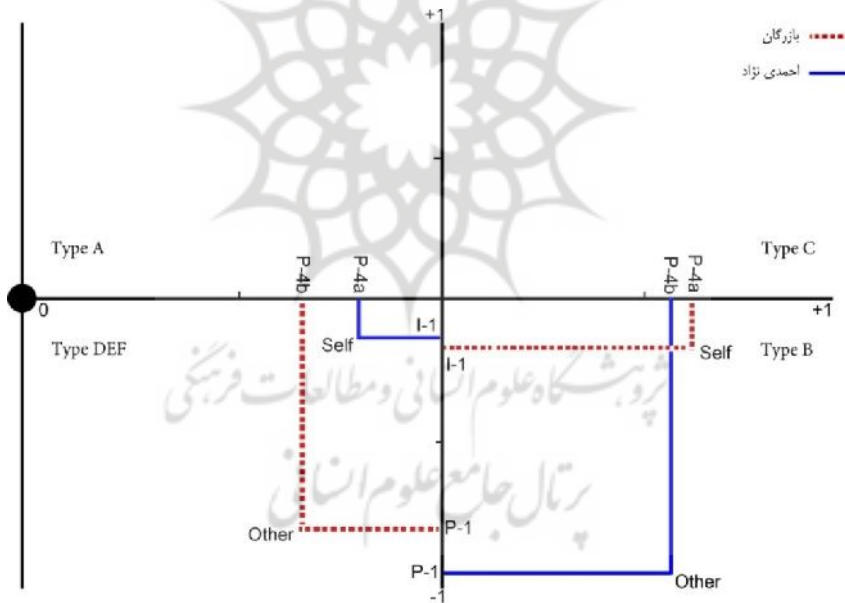
برای تحلیل رمزگان عملیاتی احمدی‌نژاد، متون منتخب رسمی و غیررسمی وی مورد مطالعه قرار گرفتند. تمام هشت متن سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان متون رسمی استفاده شدند. دلیل برگزیدن این متون این بوده است که وی با کمک مشاوران خود بر روی مواضع، محورهای و سخنان خویش اندیشیده است و از این جهت قابل اطمینان است. در کنار متون رسمی، بسیار مناسب است تا از متون غیررسمی نیز انتخاب شوند. دلیل این حساسیت این است که در چنین متونی که افراد تحت فشار روانی کم‌تری قرار دارند، و بعضاً در برابر موقعیت‌های پیش‌بینی نشده قرار می‌گیرند، دروئیات و باورهای اصلی خود را راحت‌تر و صریح‌تر عرضه می‌کنند. ترکیب این متون با یکدیگر توازنی را میان نمرات رمزگان وی به وجود می‌آورد. از کنار هم نهادن نمراتی که به هریک از باورهای فلسفی و ابزاری محمود احمدی‌نژاد اعطا شده است، تصویر شماتیک زیر (تصویر شماره ۳) به دست می‌آید.

تصویر شماره (۳). تصویر شماتیک سیاست خارجی ادراکی احمدی نژاد



در صورتی که نمرات به دست آمده در درون دسته‌بندی هالستی - واکر جای داده‌شوند، معلوم می‌شود که «خود» و «دیگری» بازرگان به ترتیب B و DEF، و برای احمدی نژاد به ترتیب DEF و B هستند. از کنارهم قراردادن نتایج داده‌های رمزگان عملیاتی بازرگان و احمدی نژاد، طرح زیر (تصویر شماره ۴) به دست می‌آید:

تصویر شماره (۴). نوع‌شناسی سیاست خارجی ادراکی بازرگان و احمدی نژاد



اولین نکته‌ای که از مشاهده طراحی بالا ممکن است به ذهن خواننده خطور کند، ترتیب آینه‌وار جایگاه‌های «خود» و «دیگری» در ذهنیت بازرگان و احمدی نژاد است. جایگاه هویتی یکی جایگاه غیریت دیگری است و بالعکس. بنابراین در حالی که بعضی از عناصر زمینه ذهنی این دو نفر به یکدیگر نزدیک است (مثلاً بدبینی به

نظام بین‌الملل و ضرورت ایستادگی)، در بعضی از عناصر دیگر اختلافات مهمی دارند.

این مشخص می‌سازد که بازرگان جهان را متخصصانه و بدبینانه می‌بیند، و براین گونه ارزیابی است که دشمن در صورت عقب‌نشینی بازیگر، عقب‌نشینی می‌کند، و اصطلاحاً روند دیپلماتیک و صلح‌جویانه را بر اقدام نظامی ترجیح خواهد داد. در عین حال خود را بازیگری قدرتمند و سرسخت می‌بیند که آمادگی دارد در برابر فشار دشمنان ایستادگی و شدت عمل بیشتری انجام دهد. وی ذهنیتی آرمان‌خواهانه دارد و دستیابی به هدف را مقدور می‌پندارد. البته احتمال بسیار کم وجود دارد که در برابر اعطای امتیاز از سوی دشمن، بر شدت عمل خود بیافزاید.

احمدی‌نژاد نظام بین‌الملل (شامل ساختار و کارگزاران آن) را اصلاح‌پذیر دانسته و نواقص و شرور آن را عرضی و ناشی از بداخلاقی اصحاب فعلی قدرت برمی‌شمارد. با این حال، کارگزاران و نظم فعلی بسیار بغرنج و غیرقابل اعتماد است و احتمال این که دشمن در برابر اعطای امتیاز از سوی ایران شدت عمل بیشتری انجام دهد، بسیار بیشتر است. هرچند این گمانه را نیز دور از ذهن نمی‌پندارد که بتواند امتیازات کوچکی از آن بگیرد. در هر حال، رفتار دیگران را با ترس و امنیتی شده تعقیب می‌کند و برای خویشتن عرصه کنش کم‌تری متصور است. او برای ایران این سیاست خارجی را بهتر می‌داند که نخست با ایستادگی بر روی مواضع اصلی و فرعی دشمن را مجاب به عقب‌نشینی کند و امتیاز بگیرد، در عین حال، این را نیز معقول می‌داند که در مواضع (احتمالاً فرعی) خود نرمش نشان دهد، یا آن که در شرایط خاص در برابر مقابله و شدت عمل دشمن، تشدید در رفتار را در دستور کار قرار دهد.

برای بازرگان، جهان در وضعیت خصمانه‌ای قرار دارد که امکان تغییر آن وجود دارد، ولی بسیار دشوار است. تحولات اجتماعی کم‌تر پیش‌بینی‌پذیر و قابل کنترل هستند. در چنین وضعی، احتمال تغییر جهان و وضعیت به نفع منافع ملی ایران بسیار دشوار است. هرچند در این عرصه بازیگر اصلی دیگران هستند و وی خود را در درون یک نظام طراحی شده پیشینی بین‌المللی می‌یابد که امکان دست‌کاری به نفع خویشتن به دشواری امکان دارد، در عین حال امکان کارگزاری خوبی برای خود قائل است. کنشگر می‌تواند از طریق اعتمادآفرینی و همکاری‌های

نهادگرایانه مثبت زمینه کاهش تنش را فراهم آورد. در عین حال وی اتخاذ سیاست‌های خصمانه از سوی دیگری را بسیار محتمل برمی‌شمارد. وی ضمن داشتن انعطاف‌پذیری خوب، به شدت ریسک‌گریز است. نگاه فقهی، سازمانی و کنش‌محور وی به دولت اسلامی (دولت دینی عملیاتی شده)، با نگره دارالاسلام/دارالکفر، سبب آن شده است که در مقتضیات قرن بیستمی از نظام بین‌الملل، وی امکان همکاری با دولت‌های متعلق به دارالکفر را مشاهده کند.

اما احمدی‌نژاد برای ایران بالنسبه امکان پیش‌بینی از تحولات اجتماعی ولی کنترل اندک بر آنها قائل است. دیگری برای او بسیار منفی است و آن دیگری، خود را همواره در یک وضعیت جنگی نسبت به او می‌داند. بنابراین احتمال آسیب‌پذیری از سوی دیگری زیاد است. مداخله‌گری دیگران در مسائل کشور بسیار زیاد و آزاردهنده است. وضعیت مبهم بین‌المللی سبب شده است که وی ریسک‌گریز باشد و انعطاف‌پذیری کم‌تری به نسبت بازرگان در سیاست خارجی وی مشاهده شود. عمده کنش خارجی وی به موافقت و مخالفت با حوادث می‌گذرد و از اتخاذ کنش عملی پرهیز دارد. نگاه عرفانی و محتوامحور به انسان و دولت، با قبول تقسیم‌بندی ملت‌ها/دولت‌ها، از سوی وی به لحاظ ذهنی تنش بالایی میان دولت اسلامی و دولت‌های طاغوتی به وجود آورده است. از همین جهت گفت‌وگو با رسانه‌ها و ملت‌ها بر رایزنی‌های دیپلماتیک با دولت‌های مستکبر و زورگو مرجح شده است. اگرچه وی به مانند بازرگان از روحیه عملگرایی شدید برخوردار است، ولی منظر فردمحورانه و عرفانی او به نظام بین‌الملل و مناسبات بین‌المللی موجب بروز سخنان و رفتارهایی در سیاست خارجی او شده است که از منظر برخی حمل بر **ساده‌اندیشی** شده است. چیزی که برای او نیافتادن در زمین بازی دشمن و تغییر ساختار بازی معنا پیدا می‌کند. حال این تمایزات در سیاست خارجی ادراکی چگونه می‌تواند با تفاوت‌های نگرش‌های دینی ایشان معنادار شود؟

۶. الگوی نگرش دینی مهدی بازرگان

بازرگان در دین‌پژوهی خویش رویکرد قرآنی را ستانده بود. وی برای تبلیغ دین، تلاش می‌کرد از مفاهیم و تعالیم دینی و قرآنی تعبیر و تقدیری علمی به دست دهد. از مطالعه سخنان و زندگی وی الگویی اخذ شد که می‌توان آن را الگوی «انسان

مختار ملی» نام نهاد. (تصویر شماره ۵) مطابق با این الگو، در برداشت دینی وی، انسان آغازگاه اندیشه و نظریه‌پردازی برای فهم دینی و ایدئولوژی دینی اوست؛ البته انسانی که در رفت و برگشت دائمی با خداوند رب‌الاریاب قرارداد. (بازرگان، ۱۳۷۷، الف: ۱۳۵ و ۲۱-۲۰؛ بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۴۹-۴۸) برای وی، مهم‌ترین ویژگی چنین انسانی برای آن که در خلقت و وجود تمام شود، قرب او به سوی پروردگار خویش است تا متصف به «انسان کامل» شود. (بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۳۰۹) انسان کامل او انسان عبد است. حوزه عمل وی جایی است که تکلیف فقهی و اقتضاء عقلی تعیین می‌کند و آن جغرافیای سیاسی ملی (در این جا ایران) اوست. (بازرگان، ۱۳۶۴: ۲۳۱-۲۳۰)

وی فردگراست و اصلاح جامعه را به منظور آماده شدن شرایط برای رشد انسان تعقیب می‌کند. (بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۹۲؛ بازرگان، ۱۳۶۴: ۳۲۰) این انسان که ابتدا بنابر مشیت الهی یک موجود معمولی است و با پرورش استعدادهای خویش می‌تواند خود را به کمال برساند، لاجرم از آزادی و اختیار اوست. (بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۳۲۱؛ بازرگان، ۱۳۶۴: ۳۱۷ و ۳۸۲) خداوند تمایل ندارد تا انسان از روی اکراه و اجبار راه او (دین) را برگزیند. بدین خاطر در او عقل را به ودیعه نهاده است تا بدان طریق از میان راه‌های مختلف به درستی صراط مستقیم رأی دهد.

از نظر بازرگان ویژگی دیگر انسان این است که صاحب کرامت ذاتی است. (بازرگان، ۱۳۶۴: ۵۲؛ بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۳۰۹) برای وی، اهمیت ندارد که یک شخص به دین، آئین، قومیت، نژاد یا جنسیت خاصی تعلق داشته باشد. انسان بما هو انسان صاحب کرامت است. بنابراین هیچ قانون، آئین یا دینی نه تنها باید حقوق و تکالیف متناسب با وجود او را رعایت کند، نباید به گونه‌ای با او برخورد کند که کرامت او زیرسؤال برود. اوج کرامت انسانی در عبودیت او در برابر الله و رهایی و استغناء او از ماسوی است. از این جهت، هر قانون و باوری که آزادی، اختیار و کرامت انسان را در حوزه روابط انسانی و اجتماعی خدشه‌دار می‌کند، مصوب اسلام نیست. بازرگان شخصیتی عمل‌گرا داشت و دستیابی به نتیجه برای وی مهم بود. عمل‌گرایی وی در کارکردگرایی و فایده‌انگاری ابزارها بیشتر بروز می‌کند. (بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۹۵-۹۶؛ بازرگان، ۱۳۸۷: ۷۸) اگر چیزی، حتی دین، این دو خصلت را

نداشته باشد، به تدریج محو می‌شود. بدین ترتیب از یک موجود اجتماعی به موجود متعلق به تاریخ تبدیل خواهد شد.

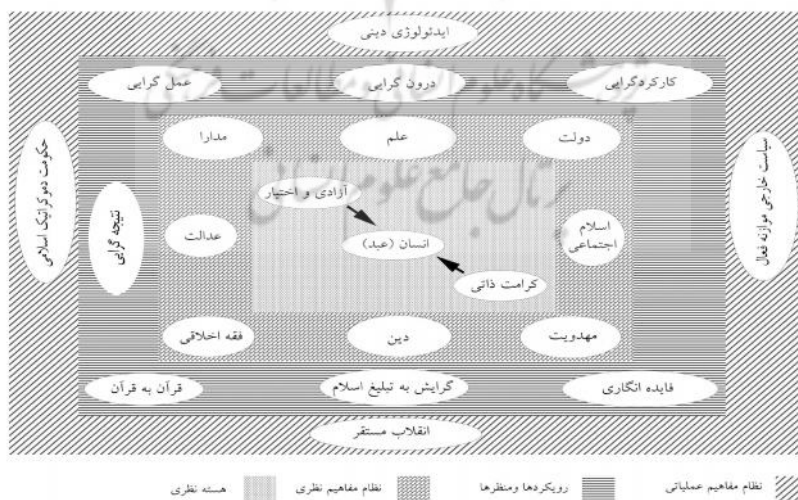
برای حضور در اجتماع، از میان ابزارها و روش‌های مختلف دینی، وی فقه را مناسب‌ترین می‌شمارد. (بازرگان، ۱۳۶۴: ۵۷؛ بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۲۹۶) فقه دینی است که به تنظیم روابط اجتماعی میان افراد و میان فرد و دولت می‌پردازد. (بازرگان، ۱۳۷۸: ۳۹۳) برخلاف دانش‌های اخلاق، فلسفه و کلام، فقه از انتزاعیات حتی‌الامکان به دور است. با این حال، برای تبلیغ دین، انسان‌سازی فردی و اداره جامعه وی فقه اخلاق‌مدار را تجویز می‌کند. مشخصه این فقه رعایت حدود کرامت، اختیار و آزادی بشری است. به نظر بازرگان، اسلام اجتماعی باید مسئولیت‌پذیر باشد و آن چیزی را که از فرد و جامعه انتظار دارد، در آن مواردی که احتمال فوت منفعت مسلمین و مصلحت اسلام است و متولی مشخصی ندارد، خود برعهده گیرد. (بازرگان، ۱۳۶۲: ۱۲۸؛ بازرگان، ۱۳۷۸: ۴۴۵؛ بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۲۸۲؛ بازرگان، ۱۳۴۴، ب: ۱۰۷) از سوی دیگر، سیاست به ویژه در عصر دولت مدرن، تمامیت‌خواه است و هرگام که دین و دیگر حوزه‌ها، عقب‌نشینی کنند، سیاست خود را داخل می‌کند. وی شعار جدایی دین از سیاست را نه تنها به لحاظ نظری و قرآنی غلط می‌داند، همچنین آن را یک فریب از سوی سکولارها می‌خواند؛ برای آن که راه برای اعمال نفوذ خود در حوزه دین بگشایند. (بازرگان، ۱۳۷۸: ۳۶۱-۳۶۰) بنابراین دولت دینی ضرورتاً باید مستقر شود.

هم اسلام اجتماعی به عنوان نرم‌افزار اداره جامعه و هم دولت دینی به مثابه ابزار اجرای آن، باید مؤلفه‌های عدالت و مدارا را در بطن و متن تصمیمات خود ملاحظه کنند. رویکرد عدالت‌محور به حوزه اجتماع هم مانع تبعیض است و هم زمینه شکوفایی استعدادها را ممکن می‌کند. (بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۳۲۴-۳۲۲؛ بازرگان، ۱۳۷۷ الف: ۱۳۷) در نگاه او، برای جامعه اسلامی و دولت اسلامی، انتظار عامل تحرک و حیات آن است. این انتظار حاوی امید به رسیدن به نقطه مطلوبی است که از سوی یک انسان کامل در آخرالزمان محقق خواهد شد. (بازرگان، ۱۳۴۴، ب: ۹۴) بدین ترتیب اگر نسل کنونی (هرنسلی) نتواند ثمره فعالیت‌ها و آرزوهای خویش را ببیند، مطمئن خواهد بود که اخلاف او آن روزهای روشن را درک خواهند کرد؛ به

خصوص آن که نسل‌های کنونی وظیفه نشستن ندارند بلکه باید خویشان و شرایط اجتماعی را برای قبول آن مصلح کل آماده‌سازند. بنابراین علاوه بر خصلت امیدبخشی، ویژگی سازندگی و تکاپو نیز در رگ‌های جامعه جریان خواهد داشت. مفهوم انتظار با مفهوم علمی تکامل تدریجی مثبت تاریخ بشریت که خود را در ارتقاء عقل و علم نشان می‌دهد، پیوند دارد. برای وی، دین به مانند عقل و علم باید تکاملی باشد. (بازرگان، ۱۳۷۸: ۲۱۲-۲۱۱)

به نظر بازرگان، علم نه تنها با دین تعارض ندارد بلکه دستاوردهای روز علم نشان از حقانیت بسیاری از تعالیم دینی دارد. (بازرگان، ۱۳۷۸: ۴۵ و ۱۸۱؛ بازرگان، ۱۳۷۷، ب: ۴۷۸؛ بازرگان) در عین حال، علم معیار صحت و صدق دین نبایست باشد؛ زیرا دومی از منبعی قطعی و صداقت قابل اطمینان صادر شده است، حال آن که اولی منبعث است از عقل و تجربه انسان که متأثر و وابسته به احساسات و فهم غیرقطعی است. (بازرگان، ۱۳۷۷، الف: ۹۲) منبعث از شبکه مفهومی اولیه نتایجی عملی در حوزه تصمیمات فردی و اجتماعی رخ می‌دهد که برای بازرگان، برخی از آنها عبارتند از ایدئولوژی دینی، سیاست خارجی موازنه فعال، انقلاب مستقر و حکومت مردمسالار اسلامی. از مجموع مطالعات انجام شده بر روی متون گفتاری و نوشتاری بازرگان، الگویی از نگرش دینی وی قابل استنباط است که به صورت زیر درمی‌آید: (تصویر شماره ۵)

تصویر شماره ۵. الگوی نگرش دینی مهدی بازرگان



۷. الگوی نگرش دینی محمود احمدی نژاد

در ذهنیت احمدی نژاد، انسان کانونی‌ترین مفهوم است. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱/۹/۲۰، ب) انسان به خودی خود دارای کرامت ذاتی است (احمدی نژاد، ۱۳۸۶/۶/۱) و صرف دوری یا نزدیکی وی از خالقش، از کرامت و حقوق و تکالیفی که براساس آن بر وی بار می‌شود، چیزی نمی‌کاهد. (احمدی نژاد، ۱۳۸۵/۵/۵؛ احمدی نژاد، ۱۳۸۷/۲/۴؛ احمدی نژاد، ۱۳۸۹/۱۱/۳) اما انسان ارزشمند آن کسی است که رو به سوی خدا داشته باشد و خود را مطابق با فطرت خویش بسازد. او تأکید می‌کند که یکی از جلوه‌های کرامت انسانی، خدمت به مردم برای رضای خدا است. (احمدی نژاد، ۱۳۹۰/۱/۲۵)

خداوند برای شکوفایی فطری انسان، او را به دو سلاح رسول درونی (عقل) و رسول بیرونی (وحی) مجهز کرده است. (احمدی نژاد، ۱۳۸۶/۱۲/۵؛ احمدی نژاد، ۱۳۸۶/۱۱/۱۰) به کارگرفتن آنها به آزادی، اختیار، محبت و عدالت نیازمند است. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱/۹/۲۰، الف؛ احمدی نژاد، ۱۳۹۱/۹/۲۰، ب) از این رو، اگر حکمی از احکام الهی یا قانونی از قوانین حکومت اسلامی ناقض آزادی و قدرت انتخاب انسان شوند، خدشه‌دار هستند؛ (احمدی نژاد، ۱۳۹۱/۹/۱۵) مگر آن که یک اصل شرعی قوی‌تر بر این اصل شرعی متعارف حاکمیت یابد. (حاکمیت اصل اقوی) به نظر وی، برای نیل به این مهم، از مطالعه قرآن کریم آشکار می‌شود که خداوند از طریق ارسال رسل برای رهایی انسان از خویشتن و دیگران، و رسیدن به مقام انسان کامل باید دو ارزش توحید و عدالت را پیگیری کند. (احمدی نژاد، ۱۳۸۵/۷/۱۳؛ احمدی نژاد، ۱۳۸۵/۴/۶؛ احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۱۰/۲۶) اگر جامعه الهی شکل‌نگیرد، برای عموم مردم نزدیک شدن به خدا سخت می‌شود. بنابراین، همین اصول و ارزش‌ها در نظام اجتماعی اسلام جاری و ساری می‌شود: تأکید بر برنامه‌ریزی و دولت‌سازی مطابق با ارزش‌های توحیدی و عدالت‌طلبانه، (احمدی نژاد، ۱۳۸۸/۶/۵) حکومت جهانی، صلح و امنیت پایدار بین‌المللی و هر امر اجتماعی دیگر صورت دائمی نخواهد گرفت مگر آن که پایبند به همین ارزش‌های فطری باشند. (احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۶/۲۳؛ احمدی نژاد، ۱۳۹۱/۷/۵) توحید محور اندیشه اسلامی و عدالت محور نظام اجتماعی اسلام است.

چنین انسانی به عنوان یک موجود متکامل دو خصلت انحصاری نسبت به سایر مخلوقات خداوند دارد که او را از آنها متمایز می‌سازد که با سلب آنها از او، وی از انسانیت خارج و مخالف حکمت خلقت انسان از سوی خداوند می‌باشد. یکی از آن دو حقوق ذاتی و آزادی فردی انسانهاست. این حقوق ذاتی در متون دینی به آنها تصریح شده است مانند حق انتخاب سرنوشت، حق آزادی بیان، حق حیات، حق تولید مثل. (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱/۹/۱۱؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۷/۲) همچنین از قابلیت فطری و میل درونی انسان برای او کرامت و عزت خدشه‌ناپذیر ثابت می‌شود. اتصال انسان به خدا و قابلیت بالقوه وی برای رسیدن به مقام قرب الهی و جایگاه ربوبانه خلیفه‌اللهی این ویژگی را برای او آورده‌است. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۵/۵؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۲۹) از این جهت، نه خود و نه هیچ شخص حقوقی یا حقیقی دیگر حق ندارد که نسبت به حقوق و کرامت وی تعرض نماید. انسان، اجتماعی خلق شده است. او باید در میان مردم و با مردم زیست کند. انسان اجتماعی از زمان هبوط حضرت آدم (ع) تا حال حاضر، در درون یک مبارزه تاریخی میان جریان حق (خدا محور) و جریان باطل (شیطان محور) قرار داشته است. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۶/۲۰؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۴/۴؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۹/۱۱/۱۱) این مبارزه در برهه‌هایی از تاریخ به ویژه در هنگام بعثت پیامبران اولوالعزم یا حوادثی دیگر مانند حادثه غدیر و قیام عاشورا به اوج خود می‌رسید و بنا بر عقاید شیعی، هنگامه ظهور حضرت صاحب‌الزمان سخت‌ترین درگیری میان جریان حق و جریان باطل برای دستیابی به حکومت جهانی درخواهد گرفت. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۱۱/۹؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۵/۲۹؛ احمدی‌نژاد، تیرماه ۱۳۸۴) تفاوت جنگ‌ها و اصطحکاکات هر دوره با دوره‌های پیشین در این است که هر رویارویی به افزایش بصیرت عمومی مردم، ابتلاء جریان حق برای سنجش ایمان خویش و آمادگی بیشتر برای درگیری‌های بعدی بوده‌است. از این منظر، جریان تاریخی مثبت و متکامل بوده‌است. بنابر نظر احمدی‌نژاد، حتی شکست‌ها و مکرهای شیطانی دشمنان در مدیریت الهی جهان، در نهایت پیروزی مؤمنان و مستضعفان را محقق خواهد ساخت. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۹/۱۵؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷/۵/۲۴؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷/۱/۲۰) مجموع این حوادث در نهایت به «بیداری دل‌ها» منتهی

خواهد شد؛ به این معنا که همه قلوب به سوی فطرت پاک خویش، نه مفاهیم خودساخته خودمحورانه خویش، روی می‌آورند. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۴/۵؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۱۲/۲)

به نظر احمدی‌نژاد، اگرچه با بعثت حضرت نبی اعظم (ص)، قرآن و متون دینی نسبتاً مشترکی میان مسلمانان وجود دارد، ولی برداشت‌های از اسلام از سوی مسلمانان در جریان‌های اجتماعی و تاریخی مختلف، متفاوت شده است. بهترین برداشت از اسلام آن مفاهیم، تربیت و سبک زندگی است که از سوی ایرانیان در طول تاریخ بدان عمل شده است. این بدان خاطر است که اولاً ایرانیان از قبل از اسلام دارای فرهنگ و تمدن بزرگی بوده‌اند که طبعی بزرگ، فهیم و متعادل به آنها داده است. دوم این که ایشان از ابتدا گرفتار محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند و همین آنها را با خوانش‌های متین و نزدیک‌تر به اسلام ناب مأنوس کرد. هرچند نمی‌توان همه اقدامات همه ایرانیان در هر جایگاه در طول تاریخ را به یک حکم راند، ولی در مجموع فهم اسلام در میان ایرانیان آمیخته با عشق و علم اهل بیت علیهم‌السلام ستودنی و قابل تبلیغ است. فرهنگ و تمدن ایرانی بیشترین نقش در خدمت و حمایت از اسلام ناب در طول تاریخ را برعهده داشت. وی این برداشت کلی را «مکتب ایرانی» یا «اسلام ایرانی» می‌خواند. البته این نگاه نه به معنای ناسیونالیسم است و نه به معنای نادیده گرفتن دستاوردهای دیگر کشورها به فرهنگ و تمدن بشری، بلکه تأکیدی است بر مأموریت ویژه ملت ایران در تحقق حکومت جهانی انسان کامل. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۵/۱۵؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۱۲/۹؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۸/۱۰/۱۵؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱/۷/۱)

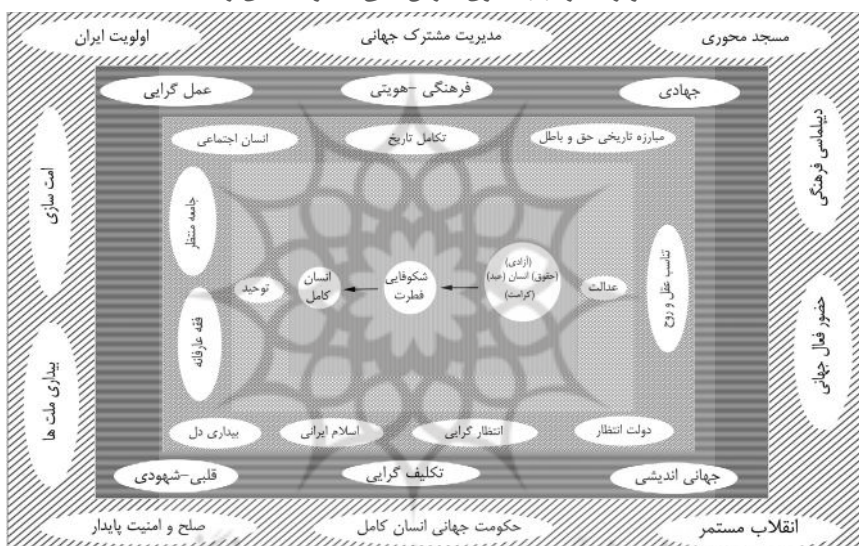
وی متناسب با اندیشه اسلام ایرانی وضعیت فعلی جهان را ادامه مبارزه تاریخی حق و باطل، و تکامل تاریخی انسان اجتماعی، وضعیت انتظار و آمادگی برای حاکمیت جهانی انسان کامل معرفی می‌کند. اگر انسان‌ها به ویژه مسلمانان، تمام ابعاد زندگی خود را متناسب با آمادگی برای پذیرش آن حضرت و حاکمیت جریان حق تنظیم کنند، در آن صورت در یک سو «جامعه منتظر» و در سوی دیگر «دولت منتظر» شکل خواهد گرفت. (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۴/۴؛ احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۴/۵)

مفهوم‌پردازی و نظریه‌پردازی برای جامعه و دولت انتظار متفاوت خواهد بود.

(احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۷/۶؛ احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۱۰/۱۵)

عبور از مرحله نظام مفهومی اجتماعی نظری به سوی نظام مفهومی اجتماعی عملیاتی، دربرگیرنده رویکردها و منظرگاه‌هایی است. از مطالعه متون سخنرانی احمدی نژاد رویکردهای زیر قابل انتزاع است: عمل‌گرایی، تکلیف‌گرایی، تأکید بر بیداری قلب و شهودی‌گرایی، رویکرد فرهنگی - هویتی در حوزه داخل و خارج، نگاه جهادی و جهانی‌اندیشی در نگاه به انسان و دولت، که الگوی «انسان فطرت جوی بی‌مکان» از آن قابل انتزاع است. (تصویر شماره ۶)

تصویر شماره ۶. الگوی نگرش دینی محمود احمدی نژاد



نتیجه‌گیری

از نتایج تحلیل رمزگان عملیاتی بازرگان و احمدی نژاد مشخص شد که با وجود برخی شباهت‌ها، در ادراک سیاست خارجی اختلافات مهمی دارند. پرسش آن بود که آیا می‌تواند ریشه آن اختلافات را به اختلافات ادراکی در نگرش دینی آن دو مرتبط دانست؟ به عبارت دیگر، نگرش‌های دینی این دو نفر می‌تواند سیاست خارجی‌های ادراکی آنها را معنا بخشد؟ مطالعه نگرش دینی آنها به دو الگوی متفاوت «انسان فطرت جوی بی‌مکان» و «انسان مختار ملی» منتهی شد که قابلیت معنابخشی ادراکات آنها در سیاست خارجی را فراهم ساخت.

برای بازرگانان اسلام انسان فقهی و علمی است؛ گرفتار عوارض مادی و این زمانی/این مکانی است. به دلیل این که انسان در یک موقعیت خاص تاریخی و جغرافیایی زندگی می‌کند، نتایج و پیامدهای خاصی برای آن بار می‌شود که از آن گریزی نیست: میل به درون مرزها، پابندی شدید به مرزها، تأکید ذهنی بر مرزبندی فقهی دارالاسلام و دارالکفر و... از آن جایی که مهندس بازرگان با پابندی و تعلق خاطر شدید علمی (علم تجربی مدرن) به سوی دین حرکت می‌کند، و از آن جایی که علم مدرن خصلت فراگیری دارد، از این رو به بیان فقهی، رویکرد اصاله‌الاباحه^(۸) در شخصیت فکری او ظهور می‌یابد. همچنین اسلام سیاسی وی نیز از درون اصاله‌الاباحه خارج می‌شود و به وجوب و اولویت حکومت اسلامی بر احکام فرعی منتهی می‌شود. (نجفی، ۱۳۷۶: ۲۲۴) محصول رویکرد فقهی، عقل‌گرا و علم‌گرایانه او باور به بیداری عقل جهت نجات بشریت است.

برای احمدی نژاد انسان اسلام انسان عاطفی، شهودی و عرفانی است. ذهن او حد و مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و لاقفل در گیرودار مختصات انسان مسلمان مکلف متعارف فقهی نیست. از این رو انسان او انسان جهانی است. تجلی حقیقت توحید امام عصر (عج) است. از زمانی که انسان عادی از انسان کامل و قرب الهی جدا افتاد، به لحاظ فطری در جست‌وجوی حقیقت وجودی خویش است. این بیان‌ها در سخن عرفا به کرات مشاهده می‌شود؛ بلکه جز از زبان عرفا شنیده نمی‌شود. نصر در بیان آموزه صوفیان می‌آورد که تمام اجزاء و عناصر هستی، از جمله بندبند وجود انسان، با روح و حقیقت جهان رابطه وجودی دارند و جدایی انسان از آن روح هستی سبب افسردگی و سرگستگی خواهد شد. (نصر، ۱۳۸۳: ۱۳۹-۱۳۶ و ۲۵۴-۲۵۵) روح هستی حقیقت توحید است و تمام احکام و مقررات فقهی شریعت نیز در خدمت پیوند انسان به آن حقیقت واحد است. (نصر، ۱۳۸۳: ۷۳) این همان تعبیر بیت مشهور ابتدای مثنوی معنوی است که مولوی می‌گوید: «بشنو از نی چون حکایت می‌کند/ از جدایی‌ها شکایت می‌کند». (مولوی، ۱۳۷۸: دفتر اول) در لسان عرفا تراز انسان جهان است. (درویش، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۳) همچنین وی بر همین اساس می‌افزاید که برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای انسان جهانی باید جهانی اندیشید. این سخنان، بیان ساده شده‌ای از معانی بلند و عمیق عرفانی

است که بارها و بارها از زبان احمدی‌نژاد شنیده شده است که مطلقاً نمی‌تواند به هیچ حوزه دین‌شناختی جز عرفان و تصوف تعلق داشته باشد.

البته از آن جهت که وی انسان را در رفتار خود آزاد می‌داند مگر آن که حکم منع قطعی فقهی وجود داشته باشد، چنین به نظر می‌رسد که به دلیل چنین مشربی وی نیز به بیان فقهی اصاله‌الاباحه باشد. (فیاض، ۱۳۹۱) شاید برخلاف بازرگان که مبنای آزادی را از کلام و فقه استخراج می‌کرد، احمدی‌نژاد متأثر از خوانش عرفانی از انسان، بر اصالت آزادی تأکید دارد؛ چراکه ضرورت نگرش عرفانی قبول اصل تساهل و تسامح در جامعه و در گفت‌وگو با یکدیگر است. انسان عارف بیش از آن که به مانند انسان فقه‌مدار بر ضرورت اجرای دستورات شارع مقدس در فرد و جامعه دینی توجه داشته باشد، بر قبول تفاسیر مختلف از دین و راه‌های مختلف رسیدن به خدا و حقیقت نظر دارد. (درویش، ۱۳۷۸: ۲۸-۲۷) باطنی‌گروی عرفان و تصوف در مقابل اصاله‌الظهور فقه قرار دارد. (نصر، ۱۳۸۳: ۶۰-۵۸) در این نگاه کتاب قرآن [و معارف اهل بیت(ع)] پنجره‌ای رو به ابدیت دارد، و هرگونه رویکردی (فلسفی، عقلانی و...) و هرگونه صفاتی در توصیف و تحلیل متن یا خداوند از وسعت آن کاسته و از حقیقت دور می‌شوند. بنابراین انسان (سالک) همواره در حال عبور از لایه‌ها و اکتشاف وجود تازه‌تری است. (نصر، ۱۳۸۳: ۶۳؛ آلموند، ۱۳۹۰) بیان این سخنان از احمدی‌نژاد مبنی بر این که دین اسلام جوهر واحدی دارد ولی در طول تاریخ از آن برداشت‌های مختلف شده است، و به نظر ما برداشت ایرانی از اسلام (مکتب ایرانی یا اسلام ایرانی) به خوانش اصلی نزدیک‌تر است، و نیز تأکید بر تجلی حقیقت هستی بر انسان کامل، بیش از آن که مبنای فقهی داشته باشد، حال و هوای عرفانی دارد. (شریف‌زاده، ۱۳۹۱، الف؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ب) سرایت چنین نگاهی (کثرت‌گرایی معرفت‌شناختی) به عرصه سیاست، بیش از آن که بر اقتدار دولت مرکزی بیانجامد، به تقویت نهادهای مدنی و غیررسمی منجر می‌شود. (درویش، ۱۳۷۸: ۱۳-۱۲)

تقابل تاریخی حق و باطل هم برای بازرگان مقبول است و هم احمدی‌نژاد. تمایز اصلی این است که بازرگان معتقد بود که راه طی شده بشر با گذر از سختی‌ها و مسیری طولانی و خلاف جهت در نهایت به همان نقطه‌ای خواهد رسید که راه

انبیاء به آن دعوت کرده‌است. ولی برای احمدی‌نژاد، انسان همین که از مسیر حق (راه انبیاء) خارج شود، مسیر باطل را برگزیده‌است و تداوم در راه باطل، به فهم حق منجر نخواهد شد. بشر به دلیل رشد مثبت فکر خود در پی مشاهده ناکامی تمام ایسم‌ها و حکومت‌های بشری، خسته و مستأصل رو به سوی راه حق و حاکمیت انسان کامل خواهد کرد. راه باطل به حاکمیت انسان کامل منجر نخواهد شد. بنابراین در پیچ تاریخی نهایی، بشریت تصمیم می‌گیرد از مسیری که تاکنون از سوی شیاطین (قدرت‌های باطل و طاغوتی) به آن دعوت شده بود، روی گرداند و به مسیر الهی گام نهد.

احمدی‌نژاد جهان کنونی را نه یک نقطه منقطع از قبل و بعد خود در تاریخ، بلکه برای او تاریخ یک سیر متداوم متکامل مثبت از ابتدای هبوط حضرت آدم(ع) تا پایان دنیا خواهد داشت. عصر پایانی همان عصر حاکمیت جهانی انسان کامل است. هر نقطه و دوره‌ای در تاریخ قبل از این عصر، زمینه‌ساز ذهنی، نهادی و مادی آن عصر آخر خواهد بود. مبارزه حق و باطل نه محصور در یک لحظه تاریخی است و نه محدود به یک مرز جغرافیایی. این اندیشه مرزهای ژئوپولوتیک قرن بیستمی را محصول استعمار و امپریالیسم، و اینها به مثابه برون‌دادها و جلوه‌های اهل شیطان (جریان باطل)، در وضع سیاسی- اجتماعی- اقتصادی کنونی، برمی‌شمرده می‌شود که کنش/واکنش و برنامه‌ریزی در مختصات آن قبول پیشینی معادلات ناعادلانه و شیطانی آن است. آن چیزی که اهمیت دارد این است که شهروندان و مسئولان نظام اسلامی آن نگاه جهانی و فرامرزی خود را درعین برنامه‌ریزی ملی حفظ کنند. مرزها و منافع ملی، خود را بر مردم و مسئولان تحمیل می‌کنند، ولی این تحمیل و اکراه در اقدام نباید آنها را از مرزهای واقعی اندیشه دینی و کنش سیاسی اصلی غافل سازد. بنابراین چنین انسانی همواره خود را در یک رفت و آمد میان نظر و عمل و بیرون و بیرون مرز (دوگانه بومی- جهانی) مشاهده می‌کند.

اختلاف دیدگاه بازرگان با احمدی‌نژاد میان او با امام خمینی نیز قابل مشاهده است. بازرگان خود در مصاحبه‌اش با حامد الگار (نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱):
۱۲۹-۱۲۷) به این اختلاف خود با امام چنین اشاره می‌کند که در امر مبارزه با رژیم شاه و استقرار وضعیت جدید، وی معتقد بود که باید قدرت دربار و نیروهای

خارجی از جمله امریکا را مدنظر قرارداد و براساس آن برنامه‌ریزی کرد. ولی به گفته وی رهبری امام اصولاً برخلاف و متفاوت با سبک مدیریت و رهبری متعارف بود. برای امام مهم این بود که حق و سخن اسلام را دریابد و برای اجرای آن (عمل به تکلیف) برای قدرت‌های غیرالهی داخلی و خارجی هیچ وزنی قائل نبود. (نگ به: فالآچی، ۱۳۷۶: ۳۰) این تقابل را می‌توان به تقابل تکلیف‌گرایی در مقابل نتیجه‌گرایی معرفی کرد.^(۹)

به نظر می‌رسد همین اختلاف رویکرد در سامان‌دهی انقلاب، خود را به صورت دیگر در مدیریت نظام جمهوری اسلامی از جمله در حوزه روابط خارجی، بازتولید کرد و این که چه وزنی به قدرت‌های بزرگ برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در حوزه سیاست خارجی بایست قائل شد؟ گزاره بنیادین دینی در ذهن امام خمینی (ره) در این مورد این بوده است که اگر در طلب حق (خدا) تلاش شود، خدا راه‌هایش را به سوی او می‌گشاید، (بقره/۲۱۸) و اگر طالب حق (خدا) در این راه استقامت ورزد، خداوند با نیروهای غیبی و محاسبات دور از تصور، سالکان راه خود را یاری می‌رساند. (فصلت/۳۰) این همانی است که به زبان مردم عامی از سوی امام (ره) مطرح شد که «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۴۹) این نگاه در زبان و عمل احمدی‌نژاد آشکارا مشاهده می‌شود. (دهقانی و نوری، ۱۳۹۰: ۱۶۱) به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت که بازرگان روحیه ایستادگی همراه با مامشات، حزم‌اندیشی و تدافع دارد ولی احمدی‌نژاد روحیه ایستادگی همراه با جهادی‌گری، تهاجم و سیاست ضربه اول دارد. گزاره بنیادین دینی برای بازرگان این بوده است که نباید انسان با دست خودش خود را به مهلکه بیاندازد (بقره/۱۹۵) و در تمام رفتارهای خویش اعتدال و میانه‌روی را رعایت کند. (فرقان/۶۳؛ بقره/۱۳۵) می‌توان رویکرد محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری را در شخصیت بازرگان شناسایی کرد. نه تنها در ضرورت انقلاب (قیام) و تأسیس حکومت اسلامی (در مقام اجراء)، و نه تنها در سیاست خارجی، بلکه حتی در هنگام تبلیغ اسلام در تولید متن کنش و واکنش خود را متناسب با پسند و ناپسند مخاطب تنظیم می‌کند. ایده بازرگان این بود که اول ایران ساخته شود و بعد به فکر بیرون باید بود. استبداد زمینه‌ساز استکبار خارجی و استعمار است و برای پیشگیری از آن باید ابتدا در داخل استبداد ریشه‌کن شود. ولی احمدی‌نژاد (به مانند امام خمینی (ره)) هرچند

بر تقدم رفع استبداد و سپس مبارزه با استکبار در عمل تأکید دارد، ولی در مقام نظر، وی ریشه استبداد را دخالت نیروهای خارجی، دست‌اندازی تاریخی آنها در تعیین سرنوشت ملت‌ها، دستکاری فرهنگ آنان و در نهایت حمایت از قدرت‌های دست‌نشانده داخلی می‌داند. بنابراین در نسبت با استبداد برای استکبار خارجی اولویت نظری قائل است. اگر این سخن احمدی‌نژاد ملحوظ شود که انسان در اسلام جهانی است و بنابراین سطح انتظار و برنامه‌ریزی برای او باید جهانی باشد، چنین قابل نتیجه‌گیری است که تأسیس حکومت عادلانه جهانی یا استقرار سازوکارها و ساختار عادلانه موکول به برقراری احکام اسلامی در جهان است که همان موکول به بیداری قلب‌ها (فطرت) است.

موضع‌گیری احمدی‌نژاد درباره استقرار صلح و امنیت بین‌المللی از طریق بازگشت به حقیقت توحید و اقامه عدل، جدای از رنگ و بوی فقهی آن، به خاستگاه عرفانی وی نیز دلالت دارد. نهادها و تأسیسات انسانی (مانند نهادها و سازمان‌های بین‌المللی)، انعکاسی از وجود انسان هستند. اگر وجود انسان‌ها به دلیل جدایی از فطرت، و دوری از تعالی انبیا، گرفتار خودمحوری شده‌باشد، تأسیسات وی نیز همان رنگ و بورا خواهند داشت. بنابراین نظام دولت‌ها نمی‌تواند صلح و امنیت مطلوب را در سراسر جهان مستقر کند و این ممکن نمی‌شود مگر به مدیریت انسان صالح و کامل در جهان و بازگشت آدمیان به حقیقت فطرت. (نصر، ۱۳۸۳: ۲۶۰)

در ذهنیت احمدی‌نژاد به سختی می‌توان به اهمیت امر سازمانی پی‌برد. آن چیزی که اصالت دارد محتوا است و ارزش فرم (سازمان) تا آن جایی است که اهداف محتوا را خدشه‌دار نکند. این در حالی است که در نگاه سازمانی، اهداف اهم و مهم می‌شوند؛ برای رسیدن به اهداف اصلی برنامه‌ریزی، نهادسازی و سازمان‌سازی می‌شود، و در صورتی که سازمان به تمامی اهداف خود در کوتاه‌مدت دست نیابد، اصل یک سازمان زیرسؤال نمی‌رود. شاید ریشه این تمایز به روحیه شهودی- عرفانی احمدی‌نژاد بازگردد که به محتوا و هدف کنش اصالت می‌بخشد ولی برای انسان فقهی (بازرگان) توجه به پوسته و عمل اولویت دارد. عارف بازندیشانه لایه‌لایه حقیقت و واقعیت را جست‌وجو می‌کند تا کنه معنا را ادراک شهودی کند، حال آن که برای فقیه توقف به ظاهر، عمل به نص و پرهیز از تفسیر و

تأویل، عین عمل به تکلیف است. (سروش، ۱۳۸۵: ۶-۷؛ درویش، ۱۳۷۸: ۴۹-۴۸) فقیهان عمل به امر خدا و عارفان خود خدا را می‌خواهند. کمال‌جویی، خدمت و مهرورزی، جوانمردی، کثرت‌گرایی دینی و مسامحت، از خصائل فرهنگ عرفانی شرقی است. (درویش، ۱۳۷۸: ۷۴-۵۰) از این‌رو، نگاه دینی احمدی‌نژاد به آرای فقیهانی مانند سیدحیدر آملی (آملی، ۱۳۷۷) نزدیک است که فهم و منطقی عارفانه از احکام فقهی ارائه می‌کردند و می‌توان از آن با عنوان «فقه عارفانه» یاد کرد.

به نظر حکمت در فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایران پس از اسلام چهار شخصیت از میان حضرات معصومین (ع) بیشترین برجستگی و اثرگذاری را داشته‌اند: حضرت محمد (ص)، حضرت امیرالمؤمنین (ع)، حضرت امام حسین (ع) و حضرت مهدی (عج).^(۱۰) احمدی‌نژاد نیز براساس گفتارها و مطالب خودش، بیشترین اثرپذیری و تعلق خاطر را به این چهار تن دارد. (حکمت، ۱۳۸۹: ۲۷۷؛ حکمت، ۱۳۸۹: ۲۸۳-۲۸۲؛ حکمت، ۱۳۸۹: ۲۹۷؛ حکمت، ۱۳۸۹: ۵۱۸) بازرگان نیز بیش از سایرین به حضرت پیامبر (ص) و حضرت امیرالمؤمنین (ع) ارجاع می‌داده است. استفاده‌ای که وی از حضرت نبی (ص) و حضرت علی (ع) می‌کند این است که نگاه تأسیسی، تشکیلاتی و سازمانی به آن حضرات دارد؛ حال آن که برای احمدی‌نژاد ابعاد انقلابی و تربیتی ایشان به عنوان مربی و انسان کامل اهمیت دارد. بنابراین وی بیش از آن که سازمان‌محور باشد، ساختارستیز است و تربیت فرد را بر محدودیت‌های سازمانی ترجیح می‌دهد.

شخصیت دینی هیجانی - عرفانی احمدی‌نژاد در مقابل شخصیت آرام مآل‌اندیش، فقهی و محافظه‌کار بازرگان، این را به ذهن متبادر می‌کند که اولی همچنان شور حسینی در سر دارد و دومی به نهادسازی و ساختارسازی نبوی می‌اندیشد. اولی انقلابی‌مانده است و نظم‌گریزی و گریز از مرکز به شاکله شخصیتی او تبدیل شده است. دومی نظم فعلی را ولو آن که ناعادلانه و ناکامل باشد، به اصلاح آن فکر می‌کند و از اندیشه تغییر بنیادین گریزان است. اولی گزاره «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را به گستره نظام بین‌الملل می‌بیند و دومی اقدام بی‌تجهیز و بی‌برنامه را خلاف دستورات اسلام برمی‌شمارد. اولی بر توکل و توسل در کنار برنامه‌ریزی و دومی بر برنامه‌ریزی در کنار توکل و توسل محوریت می‌دهد.

هرچند هر دو بر خوانش اجتماعی - سیاسی از اسلام پایبند هستند، ولی اولی تمامی کشورها و دومی محدوده جامعه اسلامی ایران را محدوده عملکرد خود می‌دانند.

بازرگان به مانند دستور خداوند به موسی(ع) علیه فرعون جهت اتخاذ زبانی لین و ناصحانه، سیاست خارجی دولت اسلامی ولو در مقابل قدرت‌های بزرگ را صلح طلبانه و نرم معرفی می‌کند و سیاست‌های تدریجانه و تجدیدنظرطلبانه را صحیح برنمی‌شمارد. (بازرگان، ۱۳۷۴: ۵۷) برخلاف سیاست خارجی رسمی، وی توجه اصلی را به افکار عمومی مردم جهان می‌دهد زیرا معتقد است که آگاهی جهانیان از اسلام رحمانی، آنها را نسبت به انقلاب اسلامی و ایران علاقه‌مند کرده و آنها (از طریق روندهای مردمسالار) بر سیاست‌های دولت‌های خود و سیاست بین‌الملل اثر می‌گذارند. (بازرگان، ۱۳۷۴: ۵۵) بنابراین درباره ابزارهای سیاست خارجی هر دو سیاستمدار نگاه نسبتاً واحدی دارند و ضمن نفی اقدام نظامی، رویکرد فرهنگی را بر دیگر موارد ترجیح می‌دهند.

علی‌رغم این اشتراک نظر، از آن جایی که بازرگان برای نهادها و سازمان‌های فعلی بین‌المللی و نیز عقلانیت مردمسالار و حقوق‌بشرانه جهان به عنوان یک دستاورد بشری و نیز زبان فعلی گفت‌وگو با دیگران احترام قائل بود، معتقد بود باید ضمن حفظ مواضع انقلابی و ایستادگی برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های بزرگ، از بدزبانی و بداخلاقی در مقابل آنها پرهیز کرد و به قانون و آداب بین‌المللی احترام گذاشت. (بازرگان، ۱۳۷۴: ۵۸) در مقابل، آن دیگری، نظام و ترتیبات قانونی و حقوقی حاکم بر آن را ناشی از تصمیمات زیاده‌خواهانه و طاغوتی قدرت‌های شیطانی می‌داند که حفظ آنها هیچ کمکی برای نجات بشریت و ملت‌ها از دست آنها نخواهد کرد. بنابراین، در نگاه وی بر دیپلماسی عمومی و تغییر در مناسبات فعلی جهانی تأکید می‌شود. در بازرگان روحیه ایستادگی همراه با مماشات دیپلماتیک و سیاست تدافعی، یا سیاست تهاجمی مبتنی بر ضربه دوم (واکنشی) قابل استنباط است، ولی برای احمدی‌نژاد روحیه ایستادگی همراه با تهاجم و سیاست ضربه اول تخمین زده می‌شود.*

یادداشت‌ها

۱. البته استفان واکر و مارک شيفر بیان کرده‌اند که تحلیل سیاست خارجی همواره دربرگیرنده این گزاره است که تصمیمات چه کسی در سیاست خارجی موثر است. (Walker and Shafer, 2006: 3)

۲. تمایز اصلی و جدی باورمندان به نظریه رمزگان عملیاتی، که آن را در راستای رویکرد شناختی قرار می‌دهند، با نظریه‌های متعارف روابط بین‌الملل در این است که در دسته اخیر، این واقعیت خارجی است که خود را بر رهبران و کنشگران تحمیل می‌کند و اینان همچون پذیرندگان واقعیاتی ناب فرض می‌شوند. (Walker and Shafer: 2006: 4) این درحالی است که برای دسته اول اولویت با «باورها» است که به مثابه «بازنمایی انفسی از واقعیت» تلقی می‌شود. توضیح این که اگرچه حوادث و وضعیت فعلی سیاست بین‌الملل خود را تا حدودی زیادی بر رهبران تحمیل می‌کنند، اما رهبران می‌توانند در درازمدت مفاهیم، رویه‌ها، نهادها، ساختار و سیاست خارجی را تغییردهند. (Walker and Schafer: 2006: 5; Baldwin, 1993; Katzenstein 1996)

باورها در نظریه‌های شناختی با قبول شکل‌دهی به تصاویر و ادراکات رهبران و در نتیجه تاثیرگذاری جدی بر تصمیمات‌شان نقشی فعال در قبال واقعیت ایفا می‌کنند. (Herrmann and Shannon, 2001; 65) اطلاعات به صورت خام بر ذهن کنشگران و رهبران فرود نمی‌آیند بلکه از سوی ذهنیت و برداشت‌ها (گزاره‌های ذهنی)، و تعلقات و تمنیات (گزاره‌های قلبی) حذف، تایید، تغییر، ادغام یا تجزیه می‌شوند. (Snyder, Bruck, and Sapin 1954; Steinbrunner 1974; Vertzberger 1990) تاثیر این شناخت‌ها زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که وضعیت محیطی مبهم و فرصت تصمیم‌گیری برای رهبران ضیق باشد. (Holsti, 1976) همچنین اگر اطلاعات جدید با کلیشه‌های ذهنی و باورها و برداشت‌های اصلی یا احساسات شدید آن کنشگران در تعارض باشد، نقش شناخت پررنگ‌تر می‌شود. (Walker and Shafer, 2006: 5)

از این رو این نظریه بر آن است که می‌توان از طریق بررسی و کشف نظام باورهای رهبران تصمیم‌ها و اقدامات‌شان را در حوزه سیاست خارجی پیش‌بینی کرد. نظیر چنین اعتقادی در آثار کسانی چون بونودی مسکیتا و لالمن (Bueno De Mesquita and

- (Lalman, 1992) یافت می‌شود. تحلیل رمزگان عملیاتی در واقع روشی است که پژوهش در حوزه نظام باورها به منظور استفاده در پژوهش‌های سیاسی را به طور عملیاتی بیان می‌کند. (Walker and Schafer, 2006: 7)
۳. این موج آن دسته از مطالعات را شامل می‌شود که تلاش دارند با مطالعه دسته‌ای از افراد یا دولت‌ها نتایجی الگوبردار تعمیم‌پذیر ارائه کنند.
 ۴. این موج دربرگیرنده آن دسته از آثاری است که تغییر یا تداوم نگرش رهبران در یک بازه زمانی طولانی را مدنظر دارند.
 ۵. این موج دربرگیرنده آن دسته از مطالعاتی است که جایگاه علی باورها را نسبت به یکدیگر و نیز در نسبت با کنش تبیین می‌کنند.
 ۶. مفهوم رمزگان عملیاتی را نمی‌توان صرفاً به دریافت‌ها و پاسخ‌هایی محدود کرد که آگاهانه و عامدانه در ارتباط با مسائل تاریخی و سیاسی از سوی رهبران ابراز می‌شود یا در تصمیم‌گیری‌های آنها دخالت دارد. بلکه آن چیزی که لیتز از آن مراد کرده‌است به روابط پنهانی‌تر، نرم‌تر و ظریف‌تری اشاره دارد که بر روی تصمیم‌سازی اثر می‌گذارد. در واقع این به آن دسته از گزاره‌ها، باورها و برداشت‌هایی از رهبران دلالت می‌کند که در تصمیمات ایشان به نحوی ناآگاهانه و ناخواسته حضور دارد. حال اگر چنین تاثیری از باورها به معنای عام بر روی شناخت و تصمیم‌گیری و بازی سیاسی پذیرفته شود، نظریه رمزگان عملیاتی تلاش دارد تا رابطه علی و همبستگی موجود میان ذهنیت بازیگر و رفتار خارجی او را تبیین کند.
 ۷. روش افعال در نظام زمینه صرفاً به افعالی توجه دارد که در نطق رهبران مورد استفاده بوده‌است که می‌تواند در کنفرانس‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها، خاطرات، بیانیه‌ها، نامه‌ها، مصاحبه‌ها و مانند آن بازنمایی شده‌باشد. از این رو به منابع دسته دوم، مثلاً نه به سخنان منتسب شده یا منقول از ایشان، نه به گزارش دیگران از سخنان آنها چه خبرنگار چه مورخ، توجهی نمی‌شود. (Walker and Shafer, 2006: 31; Shafer 2012)
 ۸. مراد از اصله‌الاباحه این است که همه چیز بر انسان مباح و جائز است مگر آن که دلیل شرعی بر منع آن باشد. اگر عقل حکم به انجام عملی کند (در اینجا، تأسیس حکومت) تا زمانی که مفسده‌ای وجود نداشته‌باشد، شارع مقدس آن را منع نمی‌کند.
 ۹. تکلیف‌گرایی امام خمینی (ره) به احتمال فراوان منبعث از فرهنگ عاشورا و قیام ابا عبدالله‌الحسین (ع) است که به طور عام فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران پس از اسلام را تحت تأثیر خود قرار داده‌است (و شاید هیچ حادثه دیگری در صدر اسلام این میزان در فرهنگ ایرانی در طول تاریخ بازتاب نداشته باشد)، و به طور خاص در ادبیات امام (ره) (همچنین احمدی نژاد) منعکس شده‌است. کم‌وبیش و در دولت‌های جنگ، نهم و دهم بیشتر، این فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بازتاب داشته‌است. (دهقانی و نوری، ۱۳۹۰: ۱۰۹) امام (ره) بارها فرمودند که حضرت سیدالشهداء به تکلیف شرعی‌اش عمل کرد و اصل هم همین

عمل به تکلیف [در سیاست] باید باشد. (خمینی، ۱۳۶۱: ۲۱۷-۲۱۶؛ خمینی، ۱۳۶۱: ۳۰) به نظر می‌رسد مفاهیم هم‌پیوند با فرهنگ عاشورا در فرهنگ ایرانی و بالتیجه سیاست خارجی منعکس شده‌باشد. مفاهیمی مانند شهادت، جهاد، تولی و تبری (مانند استکبارستیزی، دفاع از مستضعفین و جهان سوم‌گرایی) از آن جمله هستند. (دهقانی و نوری، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۰) ولی برای بازرگان امریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ با تمام "خبثت" آنها، لاجرم واقعیت‌های جهان سیاست هستند و نمی‌توان آنها را نادیده انگاشت.

۱۰. البته به نظرم باید حضرت امام رضا(ع) را نیز به این جمع افزود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

الف - فارسی

- آجیلی، هادی. ۱۳۸۹. *صورت‌بندی گفتمان اسلامی و روابط بین‌الملل*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- آلموند، یان. ۱۳۹۰. *تصوف و ساختارشکنی؛ بررسی تطبیقی آراء دریدا و ابن عربی*، ترجمه: فریدالدین رادمهر، تهران: کتاب پارسه.
- آملی، سیدحیدر. ۱۳۷۷. *اسرار شریعت و اطوار طریقت و انوار حقیقت*، ترجمه: سیدجواد هاشمی علیا، تهران: قادر.
- احمدی‌نژاد، محمود. ۱۳۸۴. *صبح امید*، جزوه تبلیغاتی ریاست جمهوری دوره نهم، تیرماه. ۱۳۸۴/۶/۳. سخنرانی در اولین جلسه هیئت دولت در مشهد.
- ۱۳۸۴/۵/۱۵. سخنرانی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری.
- ۱۳۸۴/۷/۶. سخنرانی در دیدار با مدیران حوزه علمیه قم (ویژه خواهران).
- ۱۳۸۴/۱۰/۱۵. سخنرانی در جمع مردم قم.
- ۱۳۸۴/۱۰/۲۶. سخنرانی در چهارمین اجلاس کمیسیون‌های عوامل اجتماعی مؤثر بر بهداشت و سلامت.
- ۱۳۸۵/۴/۴. سخنرانی در جلسه مشترک سه قوه.
- ۱۳۸۵/۴/۵. سخنرانی در دیدار با اعضای سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۳۸۵/۵/۵. سخنرانی در دیدار اعضای ستاد نماز جمعه.
- ۱۳۸۵/۵/۲۹. سخنرانی در جمع مردم سنقر و کلیائی.
- ۱۳۸۵/۴/۶. سخنرانی در مراسم تجلیل از قضات نمونه کشور.
- ۱۳۸۵/۶/۲۹. سخنرانی در شصت و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل.
- ۱۳۸۵/۷/۱۳. سخنرانی در جمع مردم فیروزکوه.
- ۱۳۸۶/۶/۱. سخنرانی در افتتاحیه همایش دکترین مهدویت.
- ۱۳۸۶/۷/۲. سخنرانی در دیدار با علماء و روحانیون مسلمان سراسر امریکا (نیویورک).
- ۱۳۸۶/۱۲/۵. سخنرانی در دومین کنگره عاشوراپژوهی.
- ۱۳۸۶/۶/۲۰. سخنرانی در گردهمایی فرماندهان سپاه.
- ۱۳۸۶/۱۲/۹. سخنرانی در هشتمین کنگره ۴۰۰۰ شهید منطقه ۱۷.

- سخنرانی در جمع روحانیون و علماء استان ایلام. ۱۳۸۶/۹/۱۵.
- سخنرانی در سالروز جشن ملی فناوری هسته‌ای. ۱۳۸۷/۱/۲۰.
- سخنرانی در دیدار با خانواده شهدا و ایثارگران استان همدان. ۱۳۸۷/۲/۴.
- سخنرانی در همایش دکترین مهدویت. ۱۳۸۷/۵/۲۴.
- سخنرانی در مراسم افطاری اعضای نهاد ریاست جمهوری. ۱۳۸۸/۶/۵.
- سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم ترکمنستان. ۱۳۸۸/۱۰/۱۵.
- سخنرانی در جمع مردم رشت. ۱۳۸۹/۱۱/۳.
- سخنرانی در جمع اعضای ستاد بزرگداشت دهه فجر. ۱۳۸۹/۱۱/۱۱.
- سخنرانی در جمع مردم استان سیستان و بلوچستان. ۱۳۹۰/۱/۲۵.
- سخنرانی در دیدار با ایرانیان مقیم امریکا. ۱۳۹۱/۷/۱.
- سخنرانی در شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد. ۱۳۹۱/۷/۵.
- سخنرانی در اولین همایش قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۱/۹/۱۵.
- سخنرانی در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی. الف. ۱۳۹۱/۹/۲۰.
- سخنرانی در اجلاس بیداری اسلامی. ب. ۱۳۹۱/۹/۲۰.
- اولین کنگره بزرگداشت میرزا کوچک خان. ۱۳۹۱/۹/۱۱.
- امیری، عبدالله. ۱۳۸۵. **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: موسسه نشر علوم ایران.
- بازرگان، مهدی، (۱۳۴۴ب)، **دل و دماغ، پیروزی حتمی**، تهران: پیام آزادی.
۱۳۶۲. **انقلاب ایران در دو حرکت**، تهران: مهدی بازرگان.
۱۳۶۴. **بازیابی ارزش‌ها**، تهران: بنیاد فرهنگی مهدی بازرگان.
۱۳۷۴. **آیا اسلام یک خطر جهانی است؟**، تهران: قلم.
- ۱۳۷۷الف. **مباحث بنیادین**، تهران: قلم.
- ۱۳۷۷ب. **بعثت (۱)**، تهران: قلم.
۱۳۷۸. **مباحث علمی، اجتماعی، اسلامی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- برزگر، ابراهیم. ۱۳۸۸. **روان‌شناسی سیاسی**، تهران: سمت.
- توسیدید. ۱۳۷۸. **تاریخ جنگ‌های پلویونزی**، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: خوارزمی.
- حکمت، سپهر. ۱۳۸۹. **گفتمان عدالت و معنویت: جستاری نشان‌شناسانه در گفتمان سیاسی دکتر محمود احمدی‌نژاد**، تهران: انتشارات هومن نوایی.
- خمینی، روح‌الله. ۱۳۶۱. **صحیفه نور**، ج ۱۰، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- درویش، محمدرضا. ۱۳۷۸. **عرفان و دموکراسی**، تهران: قصیده.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، و رادفر، فیروزه. ۱۳۸۹. **الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، و نوری، وحید. ۱۳۹۰. **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. ۱۳۸۷. **چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی**

- جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. سروش، عبدالکریم. ۱۳۸۵. *مدارا و مدیریت*، تهران: صراط.
- شریف‌زاده، بهمن. ۱۳۹۱ الف. *در مسائل فرهنگی باید به مکتب امام بازگردیم*، مصاحبه با وبگاه خبری صریح نیوز؛ قابل دسترسی در آدرس اینترنتی زیر:
<http://www.sarihnews.com/component/content/article/25/108>
- شریف‌زاده، بهمن. ۱۳۹۱ ب. *مبانی فلسفی-عرفانی انسان‌شناسی احمدی نژاد*، مصاحبه با وبگاه خبری صریح نیوز؛ قابل دسترسی در آدرس اینترنتی زیر:
<http://www.sarihnews.com/component/content/article/29/93>
- شکوری، ابوالفضل. ۱۳۶۱. *فقه سیاسی اسلام*، قم: حرّ.
- طاهایی، جواد. ۱۳۸۷. *درآمدی بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک؛ شادان.
- عطایی، فرهاد، و بهستانی، مجید. ۱۳۸۹. *هویت و غیریت در زمان شکل‌گیری کشور ایران از منظر شاهنامه: دیدگاه انسان‌باورانه ایرانی در سیاست خارجی*، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۷۹-۱۰۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۹۰. *فقه سیاسی حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*، ج ۷، تهران: سمت.
- فلاچی، اوریانا. ۱۳۷۶. *گفت‌وگوها*، ترجمه: غلامرضا امامی، تهران: برگ.
- فیاض، ابراهیم. ۱۳۹۱. مصاحبه با نویسنده.
- کاپلان و سادوک. ۱۳۸۹. *خلاصه روان‌پزشکی (۳ج)*، ترجمه: نصرت الله پورافکاری، تهران: شهر آب.
- کاتم، مارتا، و همکاران. ۱۳۸۶. *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*، ترجمه: سیدکمال خرازی و جواد علاقبند راد، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کاندا، زیوا. ۱۳۸۴. *شناخت اجتماعی: چگونه خود، دیگران و جهان را درک کنیم؟*، ترجمه: دکتر حسین کاویانی، تهران: مهر کاویان.
- کیانی، داود. ۱۳۸۴. *منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی، منوچهر. ۱۳۸۱. *مبانی و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان.
- منصوری، جواد. ۱۳۶۵. *نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۷۸. *مثنوی معنوی*، به کوشش کاظم دزفولیان، تهران: طلایه.
- نجفی، موسی. ۱۳۷۶. *بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت)*، *تلاقی اندیشه سیاسی اسلام و ایران با غرب*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۸۳. *آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز*، ج ۳، ترجمه: حسین حیدری، محمد هادی امینی، تهران: فصیده‌سرا.
- نهضت زنان مسلمان. ۱۳۶۱. *مواضع نهضت آزادی*، تهران: نهضت زنان مسلمان.

هايز، توماس. ۱۳۸۷. *لویاتان*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نی.

ب - انگلیسی

- Baldwin, David. 1993. *Neorealism and Neoliberalism: The Contemporary Debate*, Columbia University Press.
- Borrell-Carrió, Francesc, Suchman, Anthony L., Epstein, Ronald M. 2004. "The Biopsychosocial Model 25 Years Later: Principles, Practice, and Scientific Inquiry." *Annals of Family Medicine*, 2(6).
- Bueno de Mesquita, Bruce, and Lalman, David. 1992. *War and Reason: Domestic and International Imperatives*, New Haven: Yale University Press.
- Castano, Emanuele, et al. 2003. "The Perception of the Other in International Relations: Evidence for the polarizing effect of Entitativity." *Political psychology*.
- Crichlow, Scott. 2006. "The Eyes of Kesteven: How the Worldviews of Margaret Thatcher and Her Cabinet Influenced British Foreign Policy." in Mark Schafer and Stephen G. Walker, *Beliefs and Leadership in World Politics: Methods and Applications of Operational Code Analysis*, Palgrave MacMillan.
- Geva, Nehemia, and Mintz, Alex. 1997. *Decisionmaking on War and Peace: The Cognitive-Rational Debate*, Lynne Rienner Publisher.
- Herrmann, Richard K. and Shannon, Vaughn P. 2001. "Defending International Norms: The Role of Obligation, Material Interest, and Perception in Decision Making", *International Organization*.
- Holsti, Ole R. 1976. "Foreign Policy Formation Viewed Cognitively." in Robert Axelrod, ed, *In Structure of decision: The cognitive maps of political elites*, Princeton: Princeton University Press.
- Jervis, Robert. 1976. *Perception and Misperception in International Politics*. Princeton: Princeton University Press.
- Katzenstein, Peter J. 1996. *The Culture of National Security*, New York: Columbia University Press.
- Keohane, R. and Martin, L. 2003. "Institutional Theory as a Research Program." in C. Elman and M. Fendius Elman (eds) *Progress in International Relations Theory: Appraising the Field*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Leites, Nathan. 1951. *the operational code of the Politburo*, McGraw-Hill.
- Leites, Nathan. 1953. *A study of Bolshovism*, Free Press.
- McGraw, Kathleen M. 2000. "Contributions of the Cognitive Approach to Political



- Psychology."Political Psychology.
- Shafer, Mark. (2012.15.6, Private Contact).
- Snyder, R. C., Bruck, H. W., and Sapin, B. 1954. Decision-Making as an Approach to the Study of International Politics. Princeton: Princeton University Press.
- Steinbrunner, John. 1974. the Cybernetic Theory of Decision: New Dimensions of Political Analysis, Princeton: Princeton University Press.
- Vertzberger, Yaacov. 1990. the world in their minds: Information processing, cognition, and perception in foreign policy decisionmaking, Stanford: Stanford University Press.
- Walker, Stephen G. and Schafer, Mark. 2006. Beliefs and Leadership in World Politics: Methods and Applications of Operational Code Analysis, Palgrave MacMillan.
- Walker, Stephen G. and Schafer, Mark. 2010. "Operational Code Theory: Beliefs and Foreign Policy Decisions." in Robert Denmark, ed., the International Studies Encyclopedia, Vol. VIII. Chichester, UK: Wiley-Blackwell.
- Walker, Stephen G., Mark Schafer, and Michael Young. 1998. "Systemic Procedures for Operational Code Analysis: Measuring and Modeling Jimmy Carter's Operational Code." International Studies Quarterly .
- Young, Michael D. and Schafer, Mark. 1998. "Is There Method in Our Madness? Ways of Assessing Cognition in International Relations." Mershon International Studies Review 42, 63-96.
- Zakaria, Fareed. 1992. "Realism and Domestic Politics: A Review Essay." International Security.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی